

بررسی زمینه‌های فکری و سیاسی

اصلاحات دوره ریاست

جمهوری محمد خانی

مؤلفین:

محمد محمدی و پوریا آذرنگ

سرشناسه	محمدي، محمد، ۱۳۵۶ قزوین -
عنوان و نام پدیدآور	بررسی زمینه‌های فکری و سیاسی اصلاحات در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی / مؤلفین محمد محمدی، پوریا آذرنگ.
مشخصات نشر	تهران : فرهنگ پارسیان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۶۱ ص. ۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک	9786006563268
وضعیت فهرست نویسی	فیا
پادداشت	کتابنامه.
موضوع	اصلاح طلبی -- ایران
موب	*Reformism -- Iran
ضوع	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۷۶ - ۱۳۸۴
موضوع	Iran -- History, 1979 - 2005 -- Islamic Republic
موضوع	ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۸۴ - ۱۳۷۶
موضوع	Iran -- Politics and government -- 1997-2005
شماره	آذرنگ، پوریا، ۱۳۵۸ -
ردی کنگره	DSR ۱۳۹۵۱۵۹۱ م ۳ / ۶۴
رده بر	۰۸۴۴۰۲۵۲/۹۵۵
شماره کتبخانه	۴۳۳۲۰۲۹

فرهنگ پارسیان - بن پانزده خرداد - بازار آهنگرها - کوچه مسجد جامع - بازار مشترک -
 طبه محمد - پلاک ۲۹ - تلفن ۵۵۵۷۱۹۵۱

نام کتاب : بررسی زمینه‌های فکری و سیاسی اصلاحات در دوره
 ریاست جمهوری محمد خاتمی
 مؤلفین : محمد محمدی و پوریا آذرنگ
 ویراستار علمی : داوود رضائی
 ناشر : فرهنگ پارسیان
 صفحه آرای : هانی توانایان فرد
 نوبت و سال چاپ : اول - بهار ۱۳۹۵
 چاپ و صحافی : چاپ و صحافی پایتخت
 تیراژ : ۱۰۰ جلد
 قیمت : ۲۵۰۰۰ تومان
 شابک : 978-600-6563-26-8

«کلیه حقوق برای انتشارات فرهنگ پارسیان محفوظ است»

پیش نوشتار

در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ و پیروزی جریانی که به جنبش دوم خرداد و هم‌زمان اصلاح‌طلبی موسوم گردید فصل جدیدی در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران رقم خورد، رهبر و طلایه‌دار این جریان یعنی سید محمد خاتمی در بطن شعارهای انتخاباتی اصولاً بر شعارهایی نظیر قانونمندی و جامعه مدنی تأکید می‌نمود که بعدها با شدت پیدا کردن بحث اصلاحات و فراق شدن آن این شعارها جزئی از اهداف اصلاحات قلمداد شد در بطن گفتار اصلاح‌طلبی قابل‌طرح و پیگیری بود. در این اثنا اشخاص و گروه‌هایی به دست‌آورد قدرت شدند که با برخی از ارزش‌های مورد پذیرش نظام سرسازگاری نداشتند و یا حداقل نگاه و هدف متفاوتی را دنبال می‌کردند. این نوشتار به بررسی زمینه‌های فکری و سیاسی اصلاحات در دوره محمد خاتمی در ایران می‌پردازد و به این سؤال پاسخ می‌دهد که دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی از لحاظ چه زمینه‌های فکری و سیاسی داشت و مؤلفه‌های زمینه‌ساز اصلاحات در ایران چه بوده است؟ به نظر می‌رسد زمینه‌های فکری و سیاسی اصلاحات در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی اشاعه اندیشه‌های لیبرالیستی و مؤلفه‌های آن ایجاد فضای احساسی، پرتلاطم از طرف گروه‌های سیاسی و دامن زدن به حساسات در قالب توسعه سیاسی بود. این نوشتار با استفاده از اطلاعات شایع و کمتر کتب، کلیه مجلات مربوط به موضوع، روزنامه‌ها و آرشیوها و سایت‌های اینترنتی به صورت گردآوری اطلاعات بر اساس فیش‌برداری، استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های کامپیوتری استفاده شده است. در این پژوهش، تبیین زمینه‌های نظری و معرفتی اصلاحات در ایران با تأکید رواج سکولاریسم و سیر تاریخی آن در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی مورد بررسی قرار گرفته است و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طیف گسترده‌ای

از جریان مزبور، احزاب تندرو، نشریات رادیکال، نویسندگان و... به صورت سازمان یافته اصول انقلاب را رعایت نکرده اند و در پی اشاعه اندیشه های لیبرالی بودند.

محمد محمدی - بهار ۱۳۹۵

www.ketab.ir

پیش نوشتار ۵

مقدمه ۱

فصل اول: مفاهیم و تحولات تاریخی

بخش اول: توسعه سیاسی ۷

۱- تعریف و تاریخ توسعه سیاسی ۷

۲- مفهوم توسعه ۸

۳- نظریه پردازان توسعه سیاسی ۱۱

۴- شاخصه های توسعه سیاسی ۱۴

۵- زمینه ها و علل توسعه سیاسی ۱۵

۶- مؤلفه های توسعه سیاسی ۱۶

بخش دوم: سکولاریسم و لیبرالیسم ۳۱

۱- لیبرالیسم و جان لاک ۳۱

۲- سکولاریسم و عرفی شدن ۴۵

بخش سوم: مدرنیسم و سنت ۵۵

۱- مفهوم مدرنیته ۵۷

۲- ویژگی ها و شاخص های مدرنیته ۵۸

۳- سه موج مدرنیته از نظر لئو اشتراوس ۶۱

۴- بررسی سنت ۶۱

فصل دوم: روند تاریخی لیبرالیسم در ایران از دوره قاجاریه تا انقلاب اسلامی

بخش اول: سیر تحولات سکولاریسم در ایران از قاجار تا

- انقلاب اسلامی ۶۹
- ۱- مدرنیته از قاجار تا انقلاب اسلامی ۷۳
- ۲- روشن‌فکران سکولار دوره قاجاریه ۷۶
- ۳- سکولاریسم و سکولارها دوره رضاخان پهلوی ۸۷
- ۴- جریان‌های روشن‌فکری در دوره محمدرضا پهلوی ۹۰
- ۵- ویژگی‌های سکولاریسم و لیبرالیسم ایران ۹۲

فصل سوم: زمینه‌های فکری و سیاسی اصلاحات در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی

- بخش اول: جریان‌شناسی سیاسی بعد از انقلاب ۹۹
- ۱- جریان اصول‌گرا ۹۹
- ۲- جریان اصلاح‌طلب ۱۰۰
- ۳- جریان سوم ۱۰۴
- ۴- جریان دگراندیشان ۱۰۷

بخش دوم: پیشینه، تبیین و تعریف مبانی فکری

- اصلاح‌طلبان ۱۱۳
- ۱- جنبش اصلاح‌طلبی و توسعه سیاسی ۱۱۳
- ۲- محور اندیشه اصلاحات ۱۱۴
- ۳- زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری اصلاحات در جمهوری اسلامی ۱۱۹

- ۴- تعریف و دیدگاه‌ها در مورد اصلاح طلبی ۱۲۵
- ۵- اختلاف و ابهام در تعریف اصلاحات ۱۲۹
- ۶- دیدگاه مقام معظم رهبری در مورد اصلاحات ۱۳۴

بخش سوم: زمینه شکل‌گیری اصلاح‌طلبان و رواج تفکرات

- ۱- لیبرالیستی ۱۴۳
- ۱- افزایش نابرابری‌ها در اثر سیاست اقتصادی هاشمی رفسنجانی ... ۱۴۶
- ۱- تمرکز بر توسعه سیاسی - اقتصادی و رهاسازی فرهنگ ۱۴۸
- ۲- برآورد فرهنگ و معرفتی روشن‌فکران ۱۵۲
- ۵- ویژگی‌های مت‌انزکننده و جذاب محمد خاتمی ۱۵۵
- ۶- همگرایی ورود با احزاب سیاسی متعدد ۱۵۶

بخش چهارم: گستمان اصلاحات و اشاعه اندیشه‌های

- لیبرالیستی با تأکید بر مطالبات ۱۵۹
- ۱- عملکرد فکری و عقیدتی اصلاح‌طلبان در جمهوری اسلامی ۱۶۸
- ۲- عملکرد سیاسی اصلاح‌طلبان در جمهوری اسلامی ۱۷۰
- ۳- عملکرد اقتصادی اصلاح‌طلبان در جمهوری اسلامی ۱۸۸
- ۴- عملکرد فرهنگی اصلاح‌طلبان در جمهوری اسلامی ۱۸۹
- ۵- عملکرد دیپلماتی اصلاح‌طلبان در جمهوری اسلامی ۱۸۹
- ۶- وقایع مهم دوران محمد خاتمی ۱۹۰

فصل چهارم: فرجام اصلاحات و گفتمان

اصلاح طلبی

بخش اول: تبیین و دلایل فروپاشی قدرت سیاسی

- اصلاح طلبان ۱۹۵

- ۱- فروپاشی اجتماع و گفتمان اصلاحات ۱۹۵
- بخش دوم: آسیب‌های وارده به اصلاحات ۲۲۱
- ۱- آسیب‌های نظری و معرفتی وارده به اصلاحات ۲۲۱
- ۲- آسیب‌های عملکردی ۲۲۲
- ۳- آسیب‌های اجتماعی و جامع‌شناختی ۲۲۳
- ۴- آسیب‌های گفتمانی ۲۲۷
- ۵- آسیب‌های کشمکش درونی اصلاح‌طلبی ۲۲۸
- ۶- ناکامی خاتمی در برآورده کردن مطالبات ساختارشکنانه ۲۲۹
- ۷- عزاداری و تنش‌آفرینی اصلاح‌طلبان ۲۳۰
- نتیجه‌گیری ۲۳۱

فهرست منابع ۲۳۳

- ۱- کتاب‌ها ۲۳۳
- ۲- مجلات و روزنامه‌ها ۲۴۲
- ۳- منابع اینترنتی ۲۴۷
- ۴- منابع لاتین ۲۴۷

مقدمه

در فاصله زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ دوران به قدرت رسیدن جریان موسوم به اصلاح‌طلبی در ایران بود که دیدگاه‌های آنان، نظریات دین‌شناسی و معرفت‌شناسی غربی بود و با شبهه افکنی به صورت ناخواسته یا خواسته قصد تغییر ارزش‌ها را داشتند و در این راه از مطبوعات و نشریات استفاده نمودند. چنان‌که رنگ جریان طرفدار غرب و مسئله‌دار و نفوذ آن‌ها در مطبوعات به این عملیات گسترده، تحت بیشتری بخشید و در حوزه‌های فلسفه سیاسی، حقوق اساسی، اجتماعی، سیاست خارجی فعال بود. موضوع اصلاحات به همراه پیچیدگی‌های خاص دهه در هر زمان، یکی تاز موضوع‌هایی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به آن‌ها در هر جدی مطرح شد. نقطه آغاز همه دیدگاه‌ها و اختلاف‌نظرها و تعارضات و جزئیات مینه اصلاحات را می‌توان دوره اصلاحات نامید، به‌گونه‌ای که در این دوره، نوع دیدگاه‌ها در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل مشاهده است.

شناخت جامع و صحیح تحولات فکری فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران، به‌ویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیازهای اساسی نسل کنونی است و شناخت صحیح مسائل سیاسی و فرهنگی و تحلیل درست از وقایع هر جامعه، بدون شناخت جریان‌های فکری و سیاسی ممکن نیست. انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایران، بی‌شک حادثه‌ای سیاسی بود که از بازگشت انقلاب‌های مذهبی به صحنه تاریخ مدرن خبر می‌داد. سقوط سریع یک حکومت مقتدر خودکامه، کاربرد مذهب را به‌عنوان ابزار اصلی بسیج سیاسی، خصوصیت عظیمی که علیه غرب به نمایش درآمد و برقراری یک دولت دین سالار در آخرین دهه‌های قرن بیستم، همگی پرسش‌های جدی برای غور و بررسی از سوی دانشمندان علوم اجتماعی را مطرح کرده‌اند. غرب و مدرنیته برآمده از آن با ورود خود به ایران، جامعه روشن‌فکری و به‌تبع آن اجتماع ایران

را دچار تشتت و سردرگمی فراوان کرد و هر نسلی از روش‌فکران ایرانی، با توجه به آشنایی آنان از اندیشه فیلسوفان و روشنفکران غربی و رویکرد آنان به مدرنیته، از خود واکنش نشان داده‌اند. در واقع در این دو قرن که از رویارویی و برخورد ایران با تمدن غرب می‌گذرد ما شاهد رویکردها و رهیافت‌های مختلفی در ارتباط با تمدن غرب هستیم. در واقع، مواجهه ایرانیان با جلوه‌ها و مظاهر گوناگون غرب و آگاهی‌ها از عقب‌ماندگی، روشنفکران و اندیشمندان آن را به‌سوی یافتن پاسخ به علل چنین عقب‌ماندگی کشانده است. برخی، راز موفقت غرب را در قشون و اسلحه و ارتش آن دیدند و با تشکیل مدرسه نظامی سعی کردند تا پاسخی به چنین عقب‌ماندگی بدهند. عده‌ای دیگر به این باور رسیدند که سرچشمه موفقیت غرب حضور نهادهای سیاسی و وجود قانون است و در نتیجه، که‌شیدن تا دستاوردهای فلسفه سیاسی غرب را وارد کرده، قانون و قانون‌گرایی را در ایران گسترش دهند. برخی نیز گمان کردند که راه مقابله با غرب بازگشت به دین و احیای سنت مذهبی است و در این راه کوشیدن تا با بازگشت به قرآن و سیر دوباره از دین، امکان رویارویی با غرب را ممکن سازند. طرفداران اصلاحات، در همین اناسازگاری اسلام و لیبرالیسم سخن می‌گفتند اما در عین حال شعارهایی مبتنی بر برقراری جامعه مدنی، آزادی اندیشه، فرهنگ غیردولتی و مؤلفه‌های دیگر را همگی از ستون‌های خیمه لیبرالیسم بودند.

نظام سیاسی و اجتماعی ایران در سال ۱۳۷۶ برخی از نشانه‌ها را به نمایش گذاشت و جریانی پدیدار شد که در شکل‌گیری آن، زمینه‌های ساختاری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فکری و... قابل مشاهده است. شالوده فکری اصلاح‌طلبان را می‌توان اندیشه‌ای غرب‌گرایانه و در جهت لیبرالیزه کردن جامعه قلمداد کرد که با مؤلفه‌ها و ویژگی خاصی همراه بود؛ از آن جمله به ایجاد فضای احساسی و بر التهاب و دامن زدن به تضادها در قالب دفاع از برتری و ارجحیت توسعه سیاسی و... می‌توان اشاره کرد. طیف اصلاح‌طلب با تصور

این‌که از مجرای توسعه سیاسی به توسعه در سایر ابعاد می‌توان دست یافت، خیلی از ملزومات جامعه را نادیده گرفتند. از ابعاد سیاسی، فکری و معرفتی آن‌ها باید به عرضه نظریه‌های ترجمه‌ای، توجه نکردن به مشکلات ملموس جامعه ایرانی و عدم نظریه‌پردازی جامع و مدون درباره موضوعات مهمی همچون منافع ملی، مردم‌سالاری دینی، جامعه مدنی، آزادی، عدالت و تکرر بی‌اشاره کرد. آن‌ها حتی چارچوب دقیقی از گفتمان اصلاحات را ارائه نکردند. تعریف دقیقی را بیان نمودند.

عملکرد فکری، سیاسی و معرفتی برای زمینه‌سازی اصلاحات، اشاعه لیبرالیسم و نفوذ آن به حوزه‌های مختلف شناسی اسلامی است. این امر سبب می‌شود تفکرات سکولار و اندیش‌های لیبرال از سیاست گسترش یابد. بیان ناهمخوانی و تضاد دین و آزادی یا تضاد اسلام و مردم‌سالاری منجر به ایجاد شبهه در آرمان‌های انقلاب، وارد کردن شبهه دینی در اذهان نسل جوان، خطر تحریف دین و تغییر مفاهیم و باورهای دینی می‌شود که ممکن است به جابه‌جایی ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تمایل به غرب‌گرایی منتهی شود لذا این گفتمان برای آسیب‌های فراوانی بود؛ مهم‌ترین آسیب وارده بر گفتمان اصلاحات، زبان و بیان و ارتباطات مربوط به گفتمان اصلاحات بود. در این زمینه جریان اصلاحات زبان ارتباطات با توده‌ها را نداشت و تنها نخبگان می‌توانستند با آن ارتباط برقرار کنند. گفتمان اصلاحات فراموش کرده بود که اکثریت و اقلیت پایین جامعه به شکل دیگری فکر می‌کنند و گرایش‌ها و تمایلات آنان چیز دیگری است؛ مشغله‌ها و دغدغه‌های آنان چیز دیگری است و این دغدغه‌ها هم خیلی با هم همخوانی ندارند. یاری از رادیکال‌های اصلاح‌طلب، هویت متزلزلی داشتند و خود را در رد و تخطئه دیگران تعریف می‌کردند. هویت، مانع از آن می‌شد که آن‌ها مسیر را به سوی آینده هموار کنند تا باز مردم به آن‌ها اقبال نشان دهند. اغلب رادیکال‌های اصلاح‌طلب بیشتر منتظر این بودند که ببینند چه کسی کجا سخنرانی می‌کند

و چه کسی در کدام روزنامه مقاله می‌نویسد. همه دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌ها این بود که چطور جواب بدهند و چگونه مقابله کنند.

برخی دیگر از آسیب‌ها عبارت بودند از ضعف مبانی فکری و سیاسی مشخص، مدون و شفاف، ایجاد فضای بسیار احساسی و پراشتهاب، شتاب‌زدگی و بی‌توجهی به اصل تدریج‌گرایی، ناپختگی گروه‌های سیاسی و دامن زدن به تضادها در قالب توسعه سیاسی به قیمت از بین رفتن وفا و انسجام ملی است.

تاکنون مطالعات و بحث‌های گوناگونی درباره اصلاح‌طلبان صورت پذیرفته و کتاب‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های بسیاری در این باره منتشر شده‌اند؛ اما به صورت کلی به موضوع و مسئله موردتحقیق این مقاله پرداخته نشده است. اکثر نوشته‌ها و گفتارها به موضوعاتی از قبیل اهداف، ماهیت، ضرورت و موانع گفتمان اصلاحات معطوف بوده است؛ در این کتاب به بررسی سایر زمینه‌های سیاسی، تکرر و معرفتی اصلاحات نرم، زمینه‌ها و زوایای پنهان و مجهول اصلاحات نرم در ایران، مثل ناهنجاری‌های اجتماعی و پیشینه اصلاحات در ایران، عملکرد فکری، سیاسی و عقیدتی اصلاح‌طلبان، آسیب‌های عملکردی، انفعال اجتماعی، ضعف نخبگان، در اندیشه‌سازی بومی، تهاجم فرهنگی، فرصت‌طلبی نفوذ یا رسوخ عوام، خانه رخلط اصول و فروع و شکاف لحظه‌ها پرداخته خواهد شد.